



روش‌های مختلف یاددهی - یادگیری در مدارس علوم دینی

حمیدرضا عسگری نژاد^۱

مقدمه

بی‌شک معلمان نقش بسزایی در تعلیم و تربیت افراد جامعه دارند لذا با توجه به این نقش مهم، هر میزان که معلمین به فنون یاددهی و یادگیری مجهزتر باشند در پرورش انسان‌های صالح مؤفق‌تر خواهند بود، همانطور که پیامبر اکرم (ص) معلم و راهنمای بشریت بوده و هست انسان‌ها می‌بایست ادامه دهنده راه پیامبر (ص) باشند و بر اساس حدیث «اَطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنْ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ» آموزش را فراگیرند. آموزش، همانطور که از احادیث استنباط می‌شود یک رکن اصلی و اساسی جامعه بشریت می‌باشد و می‌تواند انسان‌ها را با فناوری و دانش روز آشنا سازد. تمامی این‌ها مرهون تلاش‌ها و زحمات معلمان دلسوز و آگاه می‌باشد برای اینکه معلمان مدارس بتوانند به این مهم دست‌یابند باید با روش‌های نوین تدریس در کلاس درس آشنا شوند و کلاس‌های آموزش ضمن خدمت در این راستا می‌تواند کمک بسیار زیادی برای آن‌ها باشد. از طرف دیگر فراگیران نیز باید روش‌های مختلف یادگیری را از معلمان فراگیرند. در مقاله حاضر سعی شده است تعدادی از روش‌های مختلف یاددهی و یادگیری بیان شود امید است با فراگیری و به‌کارگیری این روش‌ها گام مؤثری در جهت تحقق اهداف آموزشی و پرورشی جامعه برداشته شود.

ویژگی‌های تدریس

۱. هم‌اکنون تدریس در مدارس علوم دینی یک مزیت و فرصت برای افراد به شمار می‌رود و بسیاری از طلاب مستعد خصوصاً طلاب جوان در جستجوی یافتن چنین امکان
۱. کارشناسی‌ارشد مدیریت آموزشی.

و فرصتی تلاش‌های فراوان دارند. از سوی دیگر این تدریس چندان دشوار نیست و تقریباً هر طلبه درس‌خوان و مستعدی، خود را برای آن آماده می‌بیند. کافی است تلاش مضاعفی در مراجعه به متون وابسته داشته باشد و از سلیقه خود نیز برای بیان روان و ارائه هنرمندانه مسئله استفاده کند. در این صورت، هم خود، احساس رضایت فراوانی خواهد داشت و هم طلاب، از کلاس درس او به رضایت خاطر یاد می‌کنند.

۲. کار تدریس بسیار اشتیاق‌برانگیز و نشاط‌آور است. معمولاً افراد از ارائه بحث در کلاس که به عنوان نوعی ابراز توانایی است، احساس ارزشمندی می‌کنند و نیز از انس و معاشرت با طلاب لذت می‌برند و به وجد و شغف علمی دست می‌یابند.

۳. استاد باید علاوه بر تسلط علمی بالا، توانمندی بالایی در ارائه دانش خود داشته باشد، مخاطب خود را به خوبی درک کند، مهارت ارتباط عاطفی با شاگرد را داشته باشد و به شرایط روحی و روانی او نزدیک باشد. همچنین برای مطالعه، پیش از درس وقت بگذارد و مطالعه به‌روز داشته باشد. اعتماد اساتید بلند مرتبه بر مطالعات گذشته یکی از آفات آشکار تدریس است.

۴. ایجاد زمینه تدریس برای طلاب مستعد به نوعی نیروپروری نیز تلقی می‌شود. شاید همه ما تجربه کرده‌ایم که با تدریس، آموخته‌های ما عمق می‌یابد و تسلط ما بر زوایا و خفایای دانش چند برابر می‌گردد. تدریس همان‌گونه که فضای آموختن را برای طلبه فراهم می‌آورد برای مدرس نیز فضای آموختن است و گاهی استفاده استاد از تدریس بسیار بیشتر از استفاده همه شاگردان او است. در این جا به برخی از روش‌های کارآمد یاددهی که می‌تواند در مدارس نیز کاربرد داشته باشد اشاره می‌شود:

روش اول: تفحص گروهی

یکی از روش‌های فرایند یاددهی، الگوی تفحص گروهی است که نام دیگر آن یاران در یادگیری می‌باشد، منظور این است که فراگیران به کمک و راهنمایی مدرس با موقعیت‌های مبهم آشنا شده و با استفاده از گروه می‌توانند به آن موقعیت‌ها دست پیدا کنند. الگوی فوق شامل ۶ مرحله است که به شرح هر یک می‌پردازیم.

۱) رویارویی با موقعیت مبهم (ایجاد سؤال)

موقعیت مبهم موقعیتی جدید برای فراگیر است که قبلاً نسبت به آن آگاهی نداشته و در واقع می‌توان گفت که منظور موضوع مورد تدریس می‌باشد. این موقعیت ممکن است به وضوح توسط مدرس مطرح شود و یا از طریق غیر مستقیم فراگیر به سمت موضوع مورد تدریس سوق داده شود. مدرس در اینجا فراگیران را با یک موقعیت مبهم و جدید روبرو می‌کند.

۲) کشف واکنش‌ها به آن موقعیت

بعد از طرح موضوع مورد تدریس، مدرس باید این توانمندی را داشته باشد تا بتواند با طرح سئوالات متعدد فراگیران را به سمتی بکشانند که آن‌ها نسبت به آن موضوع واکنش نشان دهند تا با استفاده از آن بتوانند موقعیت مبهم را کشف نمایند. می‌توان این بخش را با تکنیک «اسکمپر» در خلاقیت مقایسه نمود که در این بخش سئوالاتی توسط مدرس بیان می‌شود که پاسخ هر سؤال از سوی فراگیران با سؤال بعدی توسط مدرس روبرو می‌شود این امر باعث می‌شود که اولاً فراگیر نسبت به موضوع آشنا شود، ثانیاً قدرت تصور فکری فراگیر افزایش پیدا کند و ثالثاً فراگیران با تعدد سئوالات نسبت به آن موضوع آشنا شوند و به صورت مفهومی درس را فراگیرند.

۳) بررسی و سازمان‌دهی

در این مرحله مدرس باید واکنش‌های متعددی که توسط فراگیران در مرحله قبل به دست آمده را مورد بررسی قرار دهد و آن‌ها را با کمک فراگیران به گونه‌ای دسته‌بندی و سازمان‌دهی نماید که بتواند پس از بررسی، نتیجه مورد انتظار را به فراگیران تفهیم نماید.

۴) بررسی مستقل گروهی

در این مرحله آن سازمان‌دهی که فراگیران در مرحله قبل به آن دست یافته‌اند را باید به صورت نقش‌هایی که قبلاً توسط مدرس برای آن‌ها تعیین شده است بررسی و گزارشی از آن در کلاس ارائه نمایند. منظور از نقش‌ها همان گروه‌های کوچک فراگیران هستند که توسط مدرس به صورت ۳ یا ۴ نفری تقسیم شده‌اند.

۵) تحلیل پیشرفت و جریان

در این مرحله بررسی‌هایی که در گروه‌های مستقل انجام و گزارش آن به کلاس درس

ارائه شده است با کمک و راهنمایی مدرس تمام زوایای آن مورد تحلیل قرار می‌گیرد تا فراگیران به کمک آن بتوانند در موضوع مورد بررسی پیشرفت حاصل نموده و با آن موقعیت مبهم آشنا شوند.

۶) فعالیت مجدد با برخورداری از نتایج

در این مرحله فراگیران از تجربیات مراحل قبل در پاسخ به موضوعات جدید می‌توانند استفاده نمایند به عبارت دیگر می‌توان این روش را برای تمامی موضوعات و مباحث کلاسی استفاده نمود. (جوینس و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۸۷)

۷) روش دوم: ارزشیابی پیشرفت تحصیلی

ارزشیابی بر حسب زمان و هدف استفاده از آن، به سه دسته تشخیصی، تکوینی و نهایی قابل تقسیم است. ارزشیابی در جریان فرایند یاددهی می‌تواند نقش بسزایی ایفا نماید. به منظور تأکید بر اهمیت ارزشیابی در جریان روند یاددهی - یادگیری به طور اجمالی به شرح هر یک می‌پردازیم.

ارزشیابی تشخیصی

ارزشیابی تشخیصی به تعیین میزان آمادگی فراگیران یا به عبارتی ارزیابی رفتار ورودی فراگیران می‌پردازد. از طریق این نوع ارزشیابی می‌توان آموزش پایه یا آموزش‌هایی را که لازمه یادگیری آموزش‌های ثانوی هستند مشخص ساخت. در حقیقت ارزشیابی تشخیصی دو وظیفه اساسی بر عهده دارد:

الف) قرار دادن فراگیر در موقعیتی که بتواند اقدام به یادگیری مطالب جدید کند.

ب) کشف نارسایی، مشکلات و مسائل یادگیری فراگیران در رسیدن به اهداف آموزشی.

ارزشیابی تکوینی

نتایج ارزشیابی تکوینی به عنوان اساسی برای بازنگری، اصلاح و تغییر ماهیت برنامه درسی در مراحل تدوین و شکل‌گیری آن عمل می‌نماید. این نوع ارزشیابی که به صورت مستمر در پایان هر درس یا بخشی از مطالب تدریس شده و در طول سال تحصیلی صورت می‌پذیرد را نیز ارزشیابی تکوینی می‌گویند؛ بنابراین دو وظیفه اساسی ارزشیابی تکوینی، یکی ارزشیابی خود برنامه و دیگری ارزشیابی پیشرفت تحصیلی فراگیران است.

ارزشیابی پایانی (نهایی)

ارزشیابی پایانی، نتایج آموزش را اندازه‌گیری می‌کند و از سوی دیگر به تعیین میزان اثربخشی برنامه‌های درسی و جریان آموزش نیز می‌پردازد. ارزشیابی پایانی میزان تغییراتی که در نتیجه آموزش و فعالیت‌های یادگیری حاصل شده است را ارزشیابی می‌نماید. (ابراهیمی، ۱۳۷۷، ص ۱۳۶)

روش سوم: شاگرد - استادی

قدمت این روش به زمانی که انسان مسئولیت آموزش‌دهی انسان‌های دیگر را چه از طریق تربیت غیر رسمی در محیط‌های مختلف و چه از طریق تربیت رسمی در محیط‌های رسمی آموزش و پرورش به عهده گرفته است می‌رسد.

مسجد نخستین مؤسسه‌ای بود که چنین سیستمی را برای تعلیم و تربیت مسلمان‌ها به کار برده و در حقیقت اولین حوزه علمی در مدینه تأسیس شد. در مسجداً حلقه‌های درس تشکیل می‌شد و در آن حلقه به بحث و گفتگو درباره مسائل اسلامی و تعلیم و تربیت می‌پرداختند. یک روز رسول خدا (ص) وارد مسجد شد و دید دو حلقه در مسجد تشکیل شده است در یکی از آن‌ها افراد به ذکر و عبادت مشغول‌اند و در یکی دیگر به تعلیم و تعلم، پس از آنکه هر دو را از نظر گذراند فرمود: «کلاهما علی خیر و لکن با تعلیم ارسلت» یعنی هر دو جمعیت کار نیک می‌کنند اما من برای تعلیم فرستاده شده‌ام. (مطهری، ۱۳۵۴، ج ۲، ص ۴۵۲ و ۴۵۳)

در این روش به شاگردان اجازه داده می‌شود که نقش معلم را ایفا نمایند. هدف اساسی این روش آن است که شاگرد، معلم شود و از این طریق تجربیات تازه و ارزشمندی به دست آورد. این روش بسیار با ارزش است، زیرا از طریق آن می‌توان در صورت فقدان معلمان متخصص به تعداد زیادی از فراگیران مهارت خاصی را آموخت. کاربرد روش شاگرد - استادی بدین طریق است که ابتدا معلم مهارت مربوطه را برای شاگردی که علاقه‌مند با معلم و هم زبان با او است تشریح و اجرا می‌نماید، آن‌گاه شاگرد همان مهارت را برای شاگردان دیگر که از نظر زبانی و کلامی با او یکسان هستند تشریح و اجرا می‌نماید. سپس این مهارت به شاگرد دیگری آموخته می‌شود و توسط او به سایر فراگیران، این کار ادامه پیدا می‌کند تا اینکه تمامی شاگردان بتوانند آن مهارت را انجام دهند.

مراحل روش شاگرد - استادی

این روش شامل چهار مرحله به شرح زیر است:

۱) آمادگی

معلم باید آمادگی نمایش و اجرای تمام مراحل مهارت را به طور دقیق و صحیح داشته باشد. در این مرحله وی باید وسایل و مواد ضروری و مورد نیاز را آماده و کنترل نماید و در کنار آن کمیت و کیفیت کاری را که شاگردان باید انجام دهند تشریح نماید. معلم باید هوشیارانه و با دقت انگیزه و زمینه لازم را در شاگردان ایجاد نماید.

۲) ارائه

در این مرحله معلم روش کار را قدم به قدم برای یکی از بهترین شاگردانش ارائه می‌دهد. به این ترتیب مرحله به مرحله به پیشروی آموزشی ادامه می‌دهد و در صورت لزوم، مطلب را تکرار و تأکید می‌نماید.

۳) کاربرد

در این مرحله معلم شاگردانش را به گروه‌های متجانس و مشابه که دارای زبان مشترک و واحدی هستند تقسیم می‌نماید و از هر گروه یک نفر را که بتواند به زبان دیگری هم تکلم کند و در ضمن زبان معلم را نیز بفهمد انتخاب کرده و پس از آن آموزش مهارت مربوطه، این شاگردان عهده دار تدریس مهارتی که قبلاً فرا گرفته‌اند به شاگردان می‌شوند.

۴) امتحان و سنجش

بعد از اینکه همه شاگردان با مهارت مربوطه آشنا شده و آن را عملاً فراگرفتند باید نتایج کار آنان را مورد ارزشیابی قرار دهیم. این ارزشیابی به دو طریق زیر ممکن است صورت گیرد:

الف) معلمان هر گروه (منظور شاگردانی هستند که عهده‌دار تدریس شده‌اند) آزمایش و امتحان سایر فراگیران را به عهده می‌گیرند.

ب) معلم اصلی کلاس، یکایک فراگیران را امتحان می‌نماید.

ارزشیابی نوع دوم نسبت به نوع اول ارجحیت دارد زیرا در هنگام ارزشیابی معلم از شاگردان، آموخته‌های نادرست آنان را تصحیح می‌نماید.

برخی از محاسن روش شاگرد - استادی

- روش شاگرد - استادی اجازه می‌دهد که شاگردان در جایگاه مدرسی ایفای نقش می‌کنند.

- این روش برای زمانی که تعداد شاگردان زیاد و تعداد معلمان متخصص کم است بسیار مفید می‌باشد.

- این روش برای وقتی که شاگردان متجانس نبوده و زمینه‌های یکسان نداشته باشند و در ضمن زبان واحد مشترکی نداشته باشند که به وسیله آن یکدیگر را درک کنند بسیار عالی و مفید است.

- این روش اجازه می‌دهد که شاگردان به گروه‌های کوچک متجانس و همسان تقسیم گردند و به تناوب عهده‌دار امور تدریس گردند.

کاربرد روش شاگرد - استادی

برای کلیه دروسی که زمینه عملی و نظری داشته و تعداد معلمان متخصص کم بوده می‌توان این روش را به کار برد و موجبات فرصت‌های تربیتی را جهت شرکت فعالانه شاگردان علاقمند فراهم ساخت. (قورچیان، ۱۳۷۹، ص ۱۰۱)

روش چهارم: سخنرانی

یکی از انواع روش‌های تدریس روش سخنرانی است که مدرس باید نحوه صحیح و کاربرد این روش را در رسیدن به اهداف آموزشی به درستی بداند.

روش سخنرانی وسیله مناسبی برای ارائه مطالب جدید می‌باشد. برای ارائه مطالب جدید مدرس باید از زمینه و تجربیات یکسان فراگیران اطمینان داشته باشد. با استفاده از روش سخنرانی، مدرس می‌تواند مطالب زیادی را در وقت کم ارائه نماید. این روش بهترین وسیله برای آموزش به گروه زیادی از فراگیران است. همچنین می‌تواند در مواقعی که فراگیران فرصت و یا امکان تحقیق ندارند توسط مدرس محقق به‌کار گرفته شوند. این روش بهترین روش برای تأکید نکات مهم و خلاصه کردن مطالب و ایده‌هاست. روش سخنرانی ممکن است با سایر روش‌های تدریس ادغام گشته و مورد استفاده قرار گیرد.

شایان ذکر است که با توجه به محاسنی که برای روش سخنرانی در مطالب فوق اشاره شد، معایبی نیز بر این روش می‌تواند وارد باشد.

معمولاً از طریق روش سخنرانی نمی‌توان فراگیران را به قدر کافی به فعالیت کشاند، بنابراین جریان یادگیری منفعل و راکد است. در نتیجه تا حدودی خسته کننده و کسالت آور خواهد بود. همچنین از طریق این روش نمی‌توان بالاترین موفقیت را در زمینه‌های مهارت کلامی، ایجاد روح همکاری جمعی و مهارت‌های فنی را برای فراگیران انتظار داشت. از دیگر معایبی که بر این روش می‌توان اشاره کرد این است که روش فوق هیچ‌گونه ملاکی را برای تعیین چگونگی پیشرفت فراگیران ارائه نمی‌دهد و با استفاده از آن نمی‌توان میزان ادراک فراگیران را تشخیص داد. نکته قابل توجه و مهمی که مدرسین در این روش باید در نظر داشته باشند مهارت در کلام و سخنرانی است و اگر مدرس فاقد این مهارت باشد جریان یادگیری به کندی صورت می‌گیرد. ضمناً نه تنها مدرس باید در سخنرانی ماهر باشد بلکه باید در سخن گفتن با توجه به فرهنگ لغات فراگیران نیز تبحر داشته باشد. همچنین برای کارایی بیشتر این روش مدرس باید از نکات مهمی که مدنظر دارد یادداشت برداری کند و به صورت منظم مطالب را بر فراگیران ارائه دهد. برای کلیه دروسی که زمینه نظری و تئوریک داشته باشند روش سخنرانی توصیه می‌شود. به طور کلی انواع گوناگونی از ارائه این روش وجود دارد که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره خواهیم کرد:

الف- روش گفتار تصویری: این نوع گفتار صرفاً از طریق وسایل سمعی و بصری صورت می‌گیرد. سخنران در این مرحله به توصیف و بیان مفاهیم با استفاده از وسایل سمعی و بصری می‌پردازد. بسیاری از برنامه‌های آموزشی تلویزیون که یک ارتباط یک جانبه است نمونه بارزی از این نوع سخنرانی به شمار می‌آید. معمولاً از طریق ارائه این نوع سخنرانی نمی‌توان اطمینان کافی از درک و استنباط فراگیران از مطالب ارائه شده داشت.

ب- روش گفتار مختصر (خلاصه گویی): این نوع سخنرانی معمولاً برای ارائه حقایق از طریق کلی‌گویی به کار گرفته می‌شود و در آن از بیان جزئیات پرهیز می‌شود. این نوع سخنرانی در محیطی خشک صورت می‌گیرد و در آن از ارائه جزئیات مطالب خودداری می‌گردد. برای نمونه می‌توان گفتارهای کوتاه و آمرانه را نام برد.

ج- روش سخنرانی تدریس: زمانی که مدرس این روش علمی را جهت ارائه مطالب بر می‌گزیند بلافاصله مسئولیت برنامه‌ریزی تهیه مواد کمک آموزشی و زمان‌بندی به عهده او قرار می‌گیرد. وجه تمایز این روش‌ها قاعده‌مندی آن است و موفقیت آن مستلزم تلاش مدرس برای اطمینان از درک مطالب ارائه شده توسط فراگیران می‌باشد. مدرس قبل از ارائه

مطالب باید با توجه به اصول یادگیری و جریان تدریس مطلب خویش را با توجه به محدوده زمانی از ساده به مشکل طبقه‌بندی و منظم نماید.

مشخصات روش سخنرانی تدریس مؤثر: به منظور اینکه سخنرانی تدریس مؤثر باشد باید موارد ذیل را مورد توجه قرار دارد:

-موضوع تدریس مورد نیاز کلاس بوده و با تجربیات روزمره و قبل فراگیران ارتباط دهد.

-خوب تنظیم شده باشد.

-کوتاه باشد.

-نکات برجسته آن مشخص و تأکید گردد.

-هرچند یکبار مطالب به طور خلاصه بیان شود.

-از وسایل کمک آموزشی استفاده گردد. (قورچیان، ۱۳۷۹، ص ۱۱۸)

در این بخش به برخی روش‌های یادگیری که می‌تواند برای مدرسان و فراگیران مؤثر باشد اشاره می‌کنیم:

جریان یادگیری

تعریف یادگیری: اکثر متخصصان تربیتی و روان‌شناسان معتقدند که یادگیری عبارت است از تغییر در رفتار که برخاسته از تجربه باشد؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت وقتی فرد مطلبی را یاد می‌گیرد که رفتار او تغییر پیدا نماید.

خصوصیات و مشخصات یادگیری

یادگیری باید هدفدار باشد: فراگیر وقتی مطلبی را خوب یاد می‌گیرد که دلیل یاد گرفتن آن مطلب و هدف نهایی آن دقیقاً برایش تفهیم گردد.

یادگیری یک تجربه است: تجربه عبارت است از تأثیر متقابل فرد و محیط که منجر به تغییر در مهارت‌های ذهنی با مهارت‌های جسمانی و طرز تفکر شخص می‌گردد.

یادگیری باید فعال باشد: فراگیر مهارت‌های ذهنی و جسمانی و طرز تفکرش را مانند اسفنجی که آب را می‌مکد جذب نمی‌نماید. حالت اسفنج حالت فعل‌پذیری است در حالی که فراگیر باید با فعالیت و تلاش از میان داده‌ها محیط آموزشی، ذهن خویش را بارور سازد.

به طور کلی افراد در سه زمینه برایشان یادگیری به شرح ذیل ایجاد می‌شود:

مهارت‌های ذهنی

وقتی که فرد به حل یک مسئله می‌پردازد یا تصمیمی را اتخاذ می‌کند و یا چیزی را استنباط می‌کند در حقیقت فرد وارد مقوله مهارت‌های ذهنی شده است.

مهارت‌های جسمانی

وقتی فرد یاد می‌گیرد که کار عملی مانند ورزش و امثال آن انجام دهد وارد مقوله جسمانی شده است.

طرز تفکر

تعریف این نوع از یادگیری مشکل است. با رعایت احتیاط می‌توان گفت: طرز فکر نوع آمادگی ذهنی و یا عاطفی فرد برای پاسخ‌گویی به یک موقعیت خاص است.

اینکه چگونه فراگیران به فراگیری مطالب می‌پردازند نکته‌ای است که روان‌شناسان و متخصصان تربیتی در حیطه قوانین یادگیری به تحلیل آن پرداخته‌اند و آشنایی با قوانین به مهارت مدرسان کمک زیادی می‌نماید. قوانین یادگیری را می‌توان به شرح ذیل مورد مطالعه قرار داد:

۱- قانون آمادگی: هر شخص وقتی مطلبی را بهتر یاد می‌گیرد که آماده یادگیری آن باشد و نسبت به آن مطلب علاقه داشته باشد به تعبیر دقیق‌تر می‌توان گفت که باید در او انگیزه ایجاد کرد. انگیزه یعنی رغبت و میلی که بر خصوصیات درونی فرد گیرنده منطبق باشد. از سوی دیگر ایجاد انگیزه موجب حرکت آگاهانه فراگیران برای یادگیری مطالب می‌گردد. قانون آمادگی تأکید می‌نماید که مدرس، فراگیران را با اهداف کلاس آشنا کرده و نحوه استفاده و کاربرد مطالب در عمل را برایشان دقیقاً تشریح نماید. با تشریح این امکانات مدرس بزرگ‌ترین انگیزه جهت یادگیری مطالب را در فراگیران ایجاد کرده است.

۲- قانون تمرین: بر طبق این قانون مواد و مطالبی که بیشتر تکرار گردد بهتر به خاطر فراگیر می‌ماند. به منظور اجرای این اصل باید شرایط تمرین و آزمایش را در جریان تدریس فراهم سازیم. این عمل ممکن است به وسیله یادآوری، دوره کردن، بیان مطلب به زبان فراگیر و یا خلاصه کردن مطلب به وسیله فراگیر صورت گیرد.

۳- قانون رغبت و انگیزه: بر طبق این اصل فراگیری که خشمگین، غمگین و شکست خورده و گیج شده است به خوبی نمی‌تواند مطالب را یاد بگیرد؛ بنابراین وظیفه مدرس این

است که شرایط یادگیری را طوری فراهم نماید که در آن فراگیر با میل و رغبت و عاری از هر گونه تهدید و ترس به آموختن بپردازد و همواره تجربیات معنادار را به عنوان پایه‌این قانون در اختیار آنان قرار دهد.

۴- قانون تقدم: این اصل را می‌توان چنین بیان نمود که فراگیر مطالبی را بهتر یاد می‌گیرد که اولین بار صحیح به او آموزش بدهند یعنی تجربیات درست و دانش صحیح را در مرحله اول بیاموزند نه اینکه تجربه و دانش غلطی را به او یاد بدهند و آنگاه در پی اصلاح آن در مرحله دوم برآیند.

۵- قانون شدت: در جریان یادگیری منظور از قانون شدت، توجه به دو عامل تعداد دفعات تمرین و دیگری میزان وقتی که صرف تمرین می‌گردد است.

میزان تمرین و وقتی که مدرس در کلاس برای آن صرف می‌کند کاملاً به متن درس و زمینه ادراک فراگیران بستگی دارد. اگر مدرس سرعت تدریس و تعداد دفعات ضروری تمرین برای هر درس را رعایت نکند، جریان یادگیری در درس مورد نظر به بن بست می‌رسد.

۶- قانون یادآوری: از نظر قانون یادآوری، فراگیران مطالبی را که اخیراً یاد گرفته‌اند بهتر به خاطر می‌سپارند. با توجه به این اصل مدرس باید در هر جلسه روی نکات مهمی که در آخرین جلسه تدریس کرده است تأکید کرده و آن‌ها را یادآوری کند.

عوامل بازدارنده یادگیری

عوامل زیر می‌تواند موجب توقف یادگیری در فراگیر شود:

۱- تأخیر: در انتظار نگاه داشتن فراگیران می‌تواند موجب عصبانیت آنان گردیده و موجب می‌گردد که مطالب بعدی را فراموش کنند. اگر مدرس در کلاس به گونه‌ای عمل نماید که در بحث یادآوری مطالب گذشته بیش از حد توقف نماید احتمال اینکه از مطالب جدید عقب بماند زیاد می‌باشد.

۲- ترس: ترس از نقطه نظر تربیتی ویران کننده انگیزه‌ها و ارتباط انسانی به شمار می‌آید و در جریان تدریس هیچ جایی ندارد و نباید هم داشته باشد؛ به عبارت دیگر اگر فراگیر در درسی موفق نباشد مدرس باید به گونه‌ای عمل نماید که میل و رغبت در آن فرد ایجاد شود تا نسبت به آن درس گریزان نباشد چونکه ترس از درس باعث عدم پیشرفت فراگیران می‌باشد.

۳- فقدان اعتماد به نفس: یکی از روش‌های تدریس برای مدرس به وجود آوردن

اعتماد به نفس در فراگیران می‌باشد که مدرس باید با دادن مسئولیت و تقسیم کار بر اساس تمایلات و استعداد های فراگیران در میان آنان اعتماد به نفس به وجود آورد. به طور مثال اگر مدرس نتواند استعداد های فراگیران را شناسایی کند و در میان آن‌ها تقسیم وظایف ایجاد نکند که هر یک از آن‌ها عهده دار مسئله‌ای نباشند باعث عدم اعتماد به نفس فراگیران می‌شود.

۴- ناچیز شمردن درس و محتوای آن: مدرس نباید دروس و آموزش‌های مورد تدریس را ناچیز قلمداد کند. این عملکرد وی ممکن است موجب دلسردی فراگیران شده و جریان یادگیری را متوقف می‌گرداند. به طور مثال اگر در برخی از دروس عمومی طوری برخورد شود که به خاطر عدم تخصصی بودن آن‌ها کم توجه شود باعث دلسردی نسبت به رشته تحصیلی و دروس عمومی می‌شود و درس باید مهارت به کارگیری تمامی فراگیران را نسبت به آن درس داشته باشد تا موجب دلسردی نسبت به آن دروس در بین فراگیران نشود. (قورچیان، ۱۳۷۹، ص ۱۴۹)

نظریه‌های یادگیری جمعی

در رویکردهای منفعل (عینی گرایی) نسبت به یادگیری، فرض بر این است که فراگیران از طریق دریافت و جذب دانش به صورت فردی مستقل از دیگران می‌آموزند. بالعکس، رویکردهای فعال (ساخت گرایی) یادگیری را به عنوان یک فرآیند اجتماعی ارائه می‌دهند که از طریق ارتباط با دیگران رخ می‌دهد. فراگیر از طریق تنظیم و تبدیل ایده‌ها به کلمات فعالانه دانش را می‌سازند و این ایده‌ها بر اساس واکنش‌ها و پاسخ‌های دیگران ساخته می‌شوند؛ به عبارت دیگر، یادگیری هم فعال است و هم تعاملی.

یادگیری جمعی یا گروهی به روش‌های آموزشی اشاره دارد که فراگیران را به کار با یکدیگر تشویق می‌کند. یادگیری جمعی با مدل انتقال یک سویه دانش یا مدل سنتی انتقال مستقیم دانش که در آن مدرس تنها منبع دانش یا مهارت است تفاوت‌های اساسی دارد. مباحثه یکی از روش‌های مؤفق در حوزه‌های علمیه است که از دوران گذشته تا کنون بین طلاب رایج بوده است. برخی از نمونه‌های فعالیت‌های یادگیری جمعی عبارت‌اند از: سمینارها و بحث‌ها، مباحثات، پروژه‌های گروهی، شبیه‌سازی، ایفای نقش و نگارش جمعی مقالات و غیره.

برای نحوه شرکت در یک تلاش گروهی جهت کمک به یادگیری اعضای گروه، آن‌ها از

طریق واسطه قرار دادن متغیرهای هیجانی و اجتماعی مانند انگیزش، کاهش اضطراب یا رضایت که یک جو عاطفی یا عقلانی مطلوبی برای یادگیری ایجاد می‌کنند می‌آموزند. هنگام کار با همسالان به جای کار به تنهایی، اضطراب و ناآرامی کاهش می‌یابد. چون فراگیران از طریق وظایف جدید یا پیچیده راه‌های خود را می‌یابند. این امر باعث افزایش انگیزش و رضایت از فرآیند یادگیری می‌شود.

برخی از مکانیسم‌های یادگیری جمعی که مستقیماً بر فرآیندهای شناخت اثر می‌گذارد حاصل بررسی‌های «دیلنبورگ» و «اشتایدر» است که در ذیل به آن اشاره می‌شود:

- تضاد یا مخالفت: وقتی بین همسالان مخالفت‌هایی پیش می‌آید عوامل اجتماعی از نادیده گرفتن تضاد توسط فراگیران جلوگیری می‌کنند و آن‌ها را وادار می‌نمایند تا اطلاعات بیشتری را جستجو کنند و راه حلی بیابند.

- درونی کردن: مفاهیمی که همسالان آگاه‌تر از طریق تعاملات منتقل می‌کنند با ساختارهای دانش فراگیر تلفیق می‌شود و افراد می‌توانند این مفاهیم را بعد از تلفیق در استدلال‌های خود مورد استفاده قرار دهند.

- خود توضیحی: آن دسته از اعضای که آگاهی کمتری دارند از توضیحات ارائه شده توسط اعضای که پیشرفته‌تر هستند می‌آموزند؛ اما در این جریان، اعضای تواناتر نیز بهره‌مند می‌شوند چون فراهم کردن و ارائه توضیح توسط فرد، دانش وی را بهبود می‌بخشد.

توضیح مطالب برای دیگران وقتی مطلب پیچیده باشد برای توضیح دهنده مفیدتر است. در یادگیری جمعی توضیح به صورت طبیعی و خودکار ارائه می‌شود. (شهرکی پور و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۱۵۴)

نتیجه

معلمان با استفاده از تجربیات خود و دروس مربوطه با به‌کارگیری روش‌های فوق می‌توانند در تفحص گروهی در میزان یاددهی و یادگیری فراگیران در کلاس درس مؤفق باشند. در بخش ارزشیابی می‌توان با سنجش به موقع فراگیران نقاط ضعف و قوت آن‌ها شناسایی و انگیزه آن‌ها را در یادگیری افزایش داد. همچنین در به‌کارگیری صحیح روش‌های سخنرانی و تکنیک‌های آن در راستای فرایند یاددهی یادگیری تأثیرگذار می‌باشد. از آنجایی که هدف نهایی همه معلمان همانا آموزش و پرورش افراد است لذا باید به تکنیک‌های یادگیری

فراگیران نیز توجه داشته و آن‌ها را در جهت رسیدن به این مهم یاری دهند.

فهرست منابع و مآخذ

۱. ابراهیمی، علی، برنامه‌ریزی درسی (راهبردهای نوین)، تهران، انتشارات فکر نو، تابستان ۱۳۷۷
۲. بروس جویس، مارشاویل، امیلی کالهن. الگوهای تدریس ۲۰۰۰، ترجمه محمدرضا بهرنگی. تهران، انتشارات نشر کمال تربیت. پاییز ۱۳۸۰
۳. شهرکی پور، حسن، بنی سی، یری ناز، ظهور پدگوژی‌های جدید در هزاره سوم. تهران، انتشارات فراشناختی اندیشه، ۱۳۸۲
۴. قورچیان، نادر قلی، جزئیات روش‌های تدریس، تهران، انتشارات فراشناختی اندیشه، ۱۳۷۹
۵. مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران. تهران، چاپخانه زیبا، ۱۳۵۴.

